

دین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود
معارف دوستی شان
برای مکاتب و کتب خانهای مملی
و معاونین و وقایع نکاران (افخری)
را بخان
از عموم خبرداران در داخله
(۱۲) روییه کابلی در خارجه
نم بوند انگلیسی با محصول بوته
از طلاق و محصلان نصف قیمت
شناوه
داخله خارجه
(۸) روییه (۷) شلنگ

الْكَلَالِي

۷ نم ۱۳۴۲

از ایتای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش
جریده رایش فرستاده میشود
نهایت شنیده دو عباسی

ده افغانستان کابل
هزار دینار
سید محمد قاسم
مه امورات محبریه بنام
اداره فرستاده شود
اداره در اشاره و اصلاح مقالات
وارده منتظر است
در هر هفت یکبار لشر میشود
اور افیکه درج نشود اعاده نمیشود

تاریخ قمری (۱۹۷) حرم المحرم سن (۱۳۰۲) هجری

تاریخ شمسی (۹) سن (۱۳۰۲) هجری

نکره شنیدن فضلاً لذجات

- ۱ دهم حرم - ۲ اتحاد و اتفاق - ۳ صاحب تغزیت داری - ۴ اسلام و انگلستان
- ۵ مصاحبه پارلیمان جیجورن - ۶ مناسبات امارات و لیکن - ۷ اتفاق رور - ۸ کافران اقتصادی
- از مر - ۹ مصاحبه اور خوسک - ۱۰ تبریک نامه سپر ایوان - ۱۱ تبریک سپر نرکه -
- ۱۲ بیاست انتظاری انگلیس و امریکا -

حوادث داخلیه -

مستویه و متناسب است. اما چیزیکه این روزرا در تاریخ اسلام
شهرت بخشیده است ویک از روزهای مهمه نایابیه کرداده
و افعه شهادت سبط رسول و جگر گوشه بتول، خامس آن عبا
سید ما امام حسین بن علی علیهم السلام است که این فاجهه
مؤلمه نایل است، و ساخته عزمه غیر مرضی بهمن روز بوده است
این روز زد هر دو فرقه اسلامیه شیعه و سنی، روز مصیبت
دینی است، روز گرمه و غمگینی است، روز مسم و غم است،
روز درد والم است روز تھیر اسلام است، روز میداً تبی
مسلمانان است.

حکایت واقعه و جریانات ساقه و لاحقه آن به جمهور
مسلمانان معلوم بوده حتی بحث و تکرار نیست، نکته که قائل
لطف است، توضیح اهیت قضیه است [یعنی حادثه] شهادت
جناب امام حسین علیه السلام، اهیت دهم حرم و این هم
جزء دلم نتیجه و اثر آن است:-

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

دهم حرم

ملکوراه یا دهم حرم، یکی از روزهای مقدسه و نایابنی
اسلامی است. لسبت باهیت و شرافت این روز روایات تاریخی
بسیار است، میکویند قبول توبه آدم علیه السلام، و نجات
سفید، نوح علیه السلام از طوفان، نجات ابراهیم علیه السلام
از آتش تمرود، نجات یوسف علیه السلام، زندان و ملاقات او
با آنقدر علیه السلام، نجات موسی علیه السلام از شر فرعون
و مولی این بعض دیگر وقایع منتهی مقدسه دینیه چهل روز اتفاق
افتاده بهر قدر لسبت قوت و ضعف و محظوظی این روایت
از روی فلسفه و تاریخ، بخنی نداریم. و نقدس آن روز نیزی
نمی بینیم، چنانچه صوم این روز در شریعت اسلامیه ۱ صومهای

(۱۸ و ۱۳ و ۱۷ و ۱۶)

(۲) بعد از واقعه کربلا چه وقایع و آثار بروز نمود
اکنون در اطراف جزو دوم همام که بعد از واقعه کربلا
جه وقایع و آثار بروز نمود بحث میکنیم و چون که روح مینه
و بحث فرقه مسلمانان است به فرقه شیعه و سی، هنادب پیغمبر
که اولاً نسبت به عقیده تشیع و شیعه که ظهور و نشو آن جطور
بود از روی تاریخ عطف نظر نمایم، مثلیک در این ایام هنگام
انتخاب وکلا ورثا و وزرا بدینه می شود که مرکس و مر جماعت
به تصیین یکی از اشخاص معروف و محمد فلبی مایل بوده افظهار
فکر درای می خاید، هنگام رحلت آن حضرت صل الله علیه
و سلم نیز نسبت به انتخاب و تصیین خلیفه بین اصحاب و بین اخلاف
بود، بعضی به صد این عباده وبعضی به جناب ابوبکر و عمر و
و معدودی به جناب علی رضی الله عنہم میل داشته، ها بود
که اخیراً جناب ابوبکر رضی الله عنہم انتخاب شد، و در وقت
خلیفه دوم و سوم نیز همین اختلاف بود، زمانیکه خلیفه چهارم
درینین یک انقلاب مدهش عظیم خلیفه شدند و در مقابل خلافت
بروز نمود، طرفداران جناب علی علیه السلام پیشتر شده قات
کرفت، طرف مقابل متفقین جناب علی را شیعه علی می نفته،
لا کن تا این وقت شیعه محض یک اسم امتیازی بود، بهی طرفدار
و دوست یک فرقه مذهبی با عقیده دینی و مخالف ملّه اسلامی، در
زمان خلافت جناب علی علیه السلام، چون که بالمقابل مدینی
خلافت موجود بود این فکر تشیع یعنی طرفداری و هوای خواهی
جناب علی فی الجمله در قلوب بعض اشخاص یک رنگ عقیده مذهبی
کرفت، و بوجه ورود مصائب از طرفین بریدگی دارد، و وزری
های هنادیه، و نفع و بعضاً فرقین متخاریین هنبده تشیع
با اغراض مشوب و ممزوج شده رفت، و بواسطه شهادت جناب
علی علیه السلام و انتقال سلطنت و حکومت به خارج اینه، مجرب دند
عذاؤهای سابقه بجز هاین و بجز امیه، فکر تشیع... و زید
پاک، در قلوب مردم همچو یک عقیده، راسخه جای رفت که
(امامت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام باشی خیلی باحت) و صایت
نیابت است، و خلافت ازاو و اولادش متجاوز است، واکر
نمیگذرد که در ظلم بوده باقیه ازان حضرات، و آسانیکه به این
اضر کشتنند..... (و دند) و معتقدین این عقیده شیعه، انسان
عشریه) شناخته شدند و بمرور زمان عقیده ندانند، هم
شاخ و بخجه کشیده بین معتقدین آن بنابر اغراضی می شوند، وی
اختلافات و تشعبات کثیره ظهور نموده به فرقه بایی... هم
شدند، فرقه مقابل که معتقدین عقیده نبودند، آن اعانت نداشت
و اجماع امت قراردادند، و شیعه را تاریک شد، و اجماع دنیه دادند

چنانچه را ز این اضطرابات و جریانات، شورش مصریه‌ا و
کوپها ظهرور یافته در نیجه جناب خلیفه سوم بشهادت رسیدند
و در عین زمان که صدای هنگامه جوئی‌ها از هر طرف بلند شود
مظہر فضائل خنی و جل جناب علی علیه السلام خلیفه شدند
وبوجه فقدان اتحاد کله او لا واقعه اختلاف بین صحابه و جنک
(جل) بوقوع آمد، و تال آن وقایع و مغاربات (صفین) و
واقعه (حکیمین) اوضاع ناکواری بوزداده و مقارن آن
خروج خوارج و چنگکهای (نور وان) در تفرقه مسلمانان
افزونده رخنه بقصراسلام انداخته و متصل آن واقعه شهادت
پرمالات جناب خلیفه چهارم علیه السلام بوقوع پیوسته
وازان بعد جناب سید نا امام همام حضرت حسن علیه السلام که
در لشکرکش تفرقه افداد از خلافت دست کشیدند و ما بعد اداری
مسلمانان بخادان ابوسفیان تکیه کرده رنگ اصلی (خلافت
راشده) از میان رفت، و حب جاه و طمع دنیا بسیار شد و
محبت دنیا با محبت مولانا در دلها جای کرفت، چنانچه از این
هیین محبت بود که مانند (یزید) یک شخص فاسق پلید برای که
حاکمران جا کرفت و اهالی سراطاعت با خشم کرده قلاعه پیش
را نیکردن انداختند.

ابن حمه و قائم رخنه های بزرگ در اسلام و مسلمانان
بیدا تردد بود و چون (یزید) پلید بر منند استبداد نمکی باشد
وفسق و فجور و از تکاب ملاحت و مناهی او آفتابی گردیده
دانستند که این شخص قطعاً صلاحیت زمامداری مسلمانان
نمدارد و از جندی بحالش بماند قطعاً دین میان اسلام و جریان
شریعت و احکام ازین خواهد رفت و زمان فقرت ولا قبضی
دوره استبداد بیدینی بحر طرف حکمفرما خواهد شد، بش
علیه واجب دیده شد که اورا از منند خلافت مقدسه داده
بیندازند بلکه دوش اورا از باصره کردنش سبک نمایند
در چنین وقت که از مک طرف حسن اسلامیت ضیف و فضیل
بین مسلمانان موجود بوده، دار طرف دیدکر یزید، دار
هر کومه، قمه و ناطه، دولت واستبداد بود و غالب مردم باه
و آتشنا رور بول طرفدار خواهد کرده از همچوں مستقیم منع
ساخته بود، که میتوالست بعرا کرده دلامه بل او قیم ک
در جنار و قدر و جناب محیط هیین جناب حسین علیه السلام
بود و نجیب دی، حاست نسبی او بجهش آمده، فقدان
واسائل مقاومت، و نداشتن لشتر و لوازم حرب شیوع فساد
کلی ادر منع اسلام و اطراف حضرت رسول علیه السلام
توالسته باجند غر اهل بیت و عده از دوستان محلص مقابله
فرعنه زمان رای محاجات مسلمانان و صبات یعنی اسلام

این مصیت خودانها بودند لا جرم باقصور و دماء خود مفقر کردیده برای استفاده از آن تشاه عظیم باخذ اتفاق امام نصمیم شدند . و ببور که ریاست وزرادری طلبی در فرقه اهل متین افزوده بوده است . طائفه شیعه معمور و منکوب بودند ، تا که در کشور ایران سلطنت صفویه قائم کردند . واحداد شاه ایاعیل که سید و مهمل طرق تصوف و بزرگی بودند ، صیدان را مذهب شیعه تلقین نمودند . وجون ام (علی) بوزانها هیئت داشت . شمها یکی برخادان او گذشتند بود هوازه دو خاطرهای خطرور داشت ، رلاد مداومت این خجالات و مواظبت این عقائد بالطبع هورث عداوت سنی کردند ، و صیدان صفویه مجاهد دنیا نجات آخوند را . بعض مادشمان علی میدانند . ای ایران هیچکوئه اسیاب مثل این عقیده بجهت ترقی ملک ایران هاکن نیست . نشی بود که در هرسینه شله ورشد و تما از اشغال قرونشت . بقدرب وطن در ملتی که از قدر و قیمت حکومت سلو ، و از ای وعد و انصاف مستحضر اند . مؤراثتاده رشاه ای ایشل صفوی عساکر ملک را آلات رُقی و لول قرار داده طرف بوجه قتل امام و از طرف دیگر از دهشت عید اله این زیر و مرکب بزید و استصفای معاویه پسر شیخ هرج و صرح غضبی حکمفرما بود و سلطنت بقایه قراحت تحریفه دعائی شیخ غله دانده . آخرین امیده غال امده و شورش علی شیعه آنکه داده امدادات شیعه چون که هر طرف متفرق شده مشقول دعوت بودند قوتیه ای خداخروج عظیمی نمودند . و در نیمه ایقلاب بزرگ سقوط دو ایام و ظهره دولت ای عباس و قوع یافت . در اول ، دولت ای عباس به قتل واستیصال ایه مصروف شدند چون ازانظرف مطیعی کردیدند باستیصال شیعه و خاندان علی علیه السلام اقدام نمودند چرا میدانند که این قوت هیچنان که دولت ای ایه را ایض داده تواد بک روز دویت بی عباس را بخواه و مابود کنند . جنایجه اول امام را قتل و بدم او را امنه قسختند و بعد اولاً علی علیه السلام را تحریفه دارند . که در عده سی روز باعیانها ظمور نمود ، و اسلام را ضده ف دشمنان حقیق را قوی ساخت . اکرچه نادر شاه برای اخراج اسیاب خود که افغانستان و هندوستان را تصرف کند آسمیم داد . مذهب سنی را در صدم رواج دهد ، اما ماجون که قیده شیعه . قلوب صدم راسخ شده بود موقق نشد . این بود حقبه . ظهه . نشویانی شیعه و عقائد آن که از قطه نظر بک شخص خارج . از ازه شیعه و سقی نکاش یافت . اده در علو ظهور و ارقاه عقیده تشیع ، و لنوار و تبان مفک . رات بی . آن باعیده تشن . میرهن است که مسبب عدمه . قاچ . و تاریک بمقتب واقعه کربلا ظمور نمود و داعع تز . الامند همین فرقه مسلمانان بود از روی عقیده و مذهب چند بی عده . شهادت جناب امام صدم آوفه که آن حضرت را داده بود . و اخیراً بهزبدات و تطیمات عیید ها بنزد مجموعه بود . بدین حسب عادت مسته شان از هر ایام امام نکول و نصف روز . عقل بمرشان آمده در کنموده که مسبب عده

جزئیات فوق باعث نفره مسلمانان کردیده بعداز مامن درهم اسلامی یعنی دیار سلطنت ای مستقبله ظمور و خانه جنکی ها و خوبزیها دوام یافت . و زائرین اختلافات سیاسی که نفره بني و سبله و مسبب عده آن بود . دولت عجایب سقوط کرد و اندیقات و عداوهای اعمی روز بروز کسب شدند بودند اسلام را خیف و زبون کردانه . درسته . دشمنان حقوقی اسلام بین نصاری چون بیدند که شوک اسلام ضعیف کردید و مسلمانها فرقه ها و احزاب تشکیل داده بزمی بکدیگر میزند و درآهادام اساس خانه خودی کوشند ، استقاده از فرست عوده زمان زیان دول اسلامیه را تهبا تهبا تحت فشار آورده بهمال اسلامیه ها کرسوک نمودند و مسلمانها را از اسپایا و بور تکال بینند . خاندان مغل ، امنقرض ساختند و دشمنان با آن و سرت را سبلان نمودند ، سراسر یولوس الجزاير دصرور احتلال کردند ، عالمیه ارشکست رشکت داده بعیاد بیواری قسطنطیه هم از خود دیدگران عبور بکریم و پی جاره کار خود شویم و ای احمد مصائب و آلام و شدائد و اقسام را جاره و معاوا نمایم و برای بست آوردن شوک و هنوت بیان خاطر هر کس میرسد اما نمیداند که ابتدا تکلیف حقیق جیست و چه باید کرد . درست است که دالستن تکلیف ادبی اسراره مسلمانان برای هر قردن قدری مشکل است و تشخیص وسائل بجا آوردن تکلیف تایک درجه صحب : اما از تأمل در منظور امن و نفع در آثار و حواله همکاری تعقب آن بروز نمود . ، تکلیف مسلمانان جهان و سورت انجام دادن آن واضح و روشن میگردد :

(اصروز تکلیف مسلمانان جهان چیست؟)

از نوشه های کنسته ثابت کردید که منظور جناب امام از اقدام و قیام بمقابل بزید ، عرض صبات شعائر اسلام و نجان دادن محسمان از ظلم وجود ای بود . چون که حال اسلام اصرور بمراتب از هر زید فاجر بود . و اصرور در روابر هزار ها در مقابل بک هر زید فاجر بود . و اصرور در روابر هزار ها دشمن کافر است تکلیف بین واجب اجتنابی هموم مسلمانان (اجای روح اسلام و زوج نمایت سید الامام) است . ایس اکرما مسلمانان خود را دوستدار امام و باشیمه او میدانم واجب است بر ما که بناهی پیروی جناب ایشان برای مقاومت دشمنان اسلام و استداد حشم و شوک کنسته آن . خودها را حاضر نمایم ، و در راه اعلای دین مین واجبی میداید

(اظیار صرام)

فائزی و قلچه بقیه است ، بلکه منظور این است که میداید

خود را در مملکت اسلام نمی کنند بلی در سائله نبرائی ذمہ
بیچ فرقه مایین یهود و نصاری نیست —

ای نصاری بشرائی ذمہ رفتار کردن یا آنها هم مثل یهود
بلکه بر از یهود رفتار کردن —

[دعوت علیه به مذهب مسیح لشکر کتب مذوکه محرفه
و سد هزار که ناسب وقت اقتضاء تشریع ندارد]

تکالیف و وظائف امور و زهیت جامعه اسلامیه فوق العاده
سخت تراز زمان کشته است، دشمنان دیرینه اسلام به تمام قوی
و دشمنی همراه با حاضر بجهة فرقه کله که با توجه اضمحلال اسلام
و انجام قرآن و احکام قرآن و اسارة بقیه مسلمانان و
انعدام مساجد و مساید و تبدیل به کنائیں (لاقدرهم الله)
بیداشد، هستند —

این است که زمامداران امور و زهیت مملکت ملک اسلامیه ملتفت باشند
دقایق و ذنکات کردیده اتحاد و یکانی معنوی و اخوت خود را
راهنمه ظهور و پرور مدارند — از یک طرف اعلیه حضرت
سلطان افلاطون اصیل شرکت در اعزمه داری حضرت خامس
العبا علیه الصلاوة و التحیا در دهه عشورا اصدار، و تمام
افراد فرقه اسنا شریه را رهین امتنان این فهمت عظامی میدانند
و از طرف دیگر مجسمه غیرت و شهامت و شجاعت و نیالت و
جلالت قائد و قائم بزرگ اسلامی حضرت بسطی کمال باشای
غازی باشد، دنیا شف در موقع خطابه واطق خود در حضور
نماست کان دول اسلامی اظهار علاقه مندی و همراهی با جامعه
اسلامیت عموماً و اینسان خصوصاً می فرماید —

ما جماعت مسلمانان ایرانی با یک عالم مسرت و صمیمیت
احساسات و اصیمات اسلامیه اتحاد پرور این دو مجسمه اسلام
سنه را استقبال کرده و عخصوصاً فتوحات اسلامیه قائد بزرگ
اسلامی را تهییک و تهییت هر ضریح تردد موافقیت و فائحت فائحتین
اسلامی را از حضرت قادر متعال خواهیم —

و از حسن نیات مقدسه اسلامیه اعلیه حضرت سعادان
و از حسن نیات مقدسه اسلامیه اعلیه حضرت سعادان

افغانستان نشکر می نامیم و این شرکت (ذات شاهانه شان)
در بیک موقع جهان کبری (سفویه) اقتضا کرد که ترویج
کذا دویت [سنی و شیعه] بشود، متأسفانه سیاست ازوها در
از روح منوره مقدسه حضرت ختنی صفات و اوصیا و خلفای
راشین علیهم صلوات الله الاجمیع موقیت و فائحت فائحتین
مالک اسلامی را استعداد می نمایم و از کسانیک دشمن قرآن
و پیغمبر عربی و تابعین شان هستند، اظهار تصریح می کنند، و
از حضرت قادر متعال اعلای کله توحید و احیای کله ثبات و
حبان آن کله را خواهیم (والسلام علی من انجیل الهدی)

سلمانان بطور اند و اکد والزم اجواب فرموده، و از هر
کوهه فرقه ونشت و اختلاف کله منع و یعنی فرموده که قال
الله الحکیم : فاعتصموا بحبل الله جیعاً ولا تفرقوا و همان پیغمبر
و شیعه بیت اجتماعی، مسلمانان را از دوستی یهود و نصاری یعنی
فرقوه علیه راحت و آسوده خواهند شد . تکلیف وزجن

بس برتابیین این پیغمبر صلی الله علیه وسلم و متدبین بدیانت
ایلامیه واجب و لازم است که اقتداء به پیغمبر و خلفای راشدین
کرده، در حفظ کله توحید در مقابل اهل ثبات، و اشید
میان اسلام در مقابل دشمنان اسلام، بقدر مقدور کوشیده،
واز اصنام کله شاقی و نفاق که از طرف دشمنان اسلام و قرآن
و پیغمبر خام در میان مسلمانان حضن اوت والقاء خصوصت
مایین آنها ابداء شده، احتراز و اجتناب نمایشده و هیچ وقت

تصور نکنند که دشمنان قرآن با تابعین قرآن دوست شوند،

با این (کلا دستون) با این متدبین بدیانت اسلامیه و قرآنی
نمیتواند را نمایند : —

واز همین نقطه نظر بود که وقتی خبر فتوحات اسلامیه
کالبیون در بلاد اسلام منتشر شد و مسلمانان بر حسب مقتضای
اسلام و اخوت اظهار شادیان و علاقه مندی کردند از طرف
دواخوان (صلیب) تابعین کلا دستون شروع بدینه

کاری شد — ولیکن روافدان جاگلنه بغض مردمان ساده لوح فقط
را پس بود که این اعمال جاگلنه بغض مردمان ساده لوح فقط
نایی از تحریکات دشمنان اسلام بوده و قلوب عامه متدبین را

این طرز حرکات و حشیانه دستور العملانه منحصر و متالم و
نائز ساخته، و از ثبت دشمنان اسلام مایین کوهه و سایر
کاز کی و آجی مدارد زیرا که معروف است [السیاست تشکل
اثکال مختلفه]

حتی ترجیب این است که ما نکرر قضايا و حوادث اهم
ماجاعان مسلمانان عبرت یعنی گیریم ایار هم فریب غولان
یعنی سیاست رایی خورم !

در بیک موقع جهان کبری (سفویه) اقتضا کرد که ترویج
کذا دویت [سنی و شیعه] بشود، متأسفانه سیاست ازوها در
لطف جله مذکور کوشش نموده بیاند غافل از سیک تمام هیئت جامعه
اسلامیه در نجت کله (ان الدین عزیز الله الاسلام) منخدوان القاء
شهان و اعمال رسایل منحوسه در آنها مؤثر واقع نخواهند شد —

مضحک این است که باشکه [الکفر ملة واحدة] اغاره
شدید و دشمنی ناربی متفق خسود بعلت حیات از یهود باز
هم بخان مسلمانان ساده آنچه که یهود رهایت تبرائی ذمہ

است سوی ارشی بهم وارد، لهذا اعتلا وارتفاء آن هم عنای است
به تعاون و ناصر عووم مسلمانان مثلاً تکلیف که اسوز برای
مسلمانان در عراق است بشیعه و سی پیکان است، و اکر این
شدت و مصیب از انجما به تعاون و ناصر قریبین دفع کرده، هردو
براهی هند از مسائل اجتماعی است لهذا هندو و مسلمان هارجود
تیاشن مذهب بهم اتفاق و اتحاد نموده که کشند تا که این مصیب
را از سر خود بردارند همچنین در مصر مسلمانها و قبطیها با هم
یک دل و یک حیثت کردیده عنقریب حریت و آزادی کاهی را
مالک بیشوند و زنجیر استیجاد واستیمار را از کوئنی اندازند
اختلاف شیعه و سی وغیره که فی الواقع شخص تصور است و توهان
است فرض اکثر حقیقتی هم داشته باشد از اختلاف هندو

و مسلمان یاقطبی و مسلمان پیشتر نخواهند بود آنها که باهم
اتفاق و اتحاد نموده اند اینها می باید بطريق اولاً حین امور و زیک
دل و یک جهت کشته باحیای اسلام و ترقی و تعالی هلم اسلام و
ترویج سنت خیر الانام صمیمانه و فدا کاره بکشند و فریضه
متورین فربین است که باین فکر مقدس صرف محبو دان
نموده شیعه و فوجون تفرقه موجب تزلزل کردیده بیدمی است
که اتحاد و اتفاق اسباب و علت ترقی و تعالی است بناء علیه اکر
مسلمانان آرزو و خواهش داشته باشند که اتفخار و تمدن
کشته از دست آنیده خود را نائل کردند یا به دین میین و
حضرت خاتم الرسلین فکر علاوه مندی و محبت داشته بخواهند

شیریت اسلام وست سید الامام را احیا و تازه کرده بعدها
رونق و زیوج بدنه غیر ازینک اختلافات و تفاوت از یک دکر
را بر کشان نهاده سائر فرق، مخصوصاً شیعه و سی که جزو
عمده علم اسلام را تشکیل میدهند برادر وار دست الفاق و
اتحاد صمیعی و قلی و یک دل و یک جهت را بهم داده بحبل
المیں (واعتصموا بحبل الله جیعاً ولا تفرقوا) ثبت نمایند —

حضرات معظم ادین و مذهب اصلاً عبارت از چند عقیده
و چهار بیج عمل خصوص است که عمده آن از وظایف و
تکالیف الفرادی بوده قلده و ضرورش در صورت اختلاف و
تفاوت و اعمال و اهال ذات راجع به معتقد و عامل است اما سائر
تفرات دینی هم از قبیل تکلیف اجتماعی با اوجیات اخلاقی و ادبی
است بطور نظامات مدنی ، مثل حفظ وطن از تجاوز و تخطی
دشمنان صفات حرمت و شعائر اسبابه دین و تنفس اواسی و
جلو کیمی از منتهیات و مراتعات مساوات و عدالت و احترام حریت
و حرمت اشخاص ، که این هم راجع است بصوم جامعه ، و
جیج نوع بشر بدون امتیاز دین و مذهب و عقیده و عشیره و
قبیله ، در این سیم و شریک اند . ضعف اسلام بک نصیب عویض

سید المرسلین فدا کارانه قیام واقعه کنیم . و در سایه اتباع
شیریت قویم لوای اتفخار و امتیاز علم اسلام را بر افزایی تاجیگی
امام وجود والا مقام اورا از خود خوشنود سازیم و در زمره
دوستان و همراهان او بشمار آیم ، و بنز آیه در دنیا چندی
زندگان راحت و آسایش نهاییم و بین ملل سرتبلند و دارای
مرتبه ارجمند باشیم . چرا که سعادت حقیقی و ترقی و تمدن و
قوت و عزت مسلمانان فقط و فقط در دائرة اسلام و اسلامیت
و اتباع شیریت است . و جز نیک به عروه الوقای اسلامیت
بدیگر هیچ صورت ارقاء و اعتلا نمیتواند —

(جراحت انجام دادن تکلیف کدام است)

چون تکلیف اشخاص بافت صورت انجام دادن آن از
تامل در وقایع و آناریک بعد از واقعه کربلا بروزگرده واضح
میکردد خلاصه و تهیجه وقایع وحوادث مذکوره تزلزل اسلام
است بوجه تفرقه دینی بین مسلمانان که عمده تفرقه اخلاقی
شیعه و سی است و جون تفرقه موجب تزلزل کردیده بیدمی است
که اتحاد و اتفاق اسباب و علت ترقی و تعالی است بناء علیه اکر
مسلمانان آرزو و خواهش داشته باشند که اتفخار و تمدن
کشته از دست آنیده خود را نائل کردند یا به دین میین و
حضرت خاتم الرسلین فکر علاوه مندی و محبت داشته بخواهند

شیریت اسلام وست سید الامام را احیا و تازه کرده بعدها
رونق و زیوج بدنه غیر ازینک اختلافات و تفاوت از یک دکر
را بر کشان نهاده سائر فرق، مخصوصاً شیعه و سی که جزو
عمده علم اسلام را تشکیل میدهند برادر وار دست الفاق و
اتحاد صمیعی و قلی و یک دل و یک جهت را بهم داده بحبل
المیں (واعتصموا بحبل الله جیعاً ولا تفرقوا) ثبت نمایند —

حضرات معظم ادین و مذهب اصلاً عبارت از چند عقیده
و چهار بیج عمل خصوص است که عمده آن از وظایف و
تکالیف الفرادی بوده قلده و ضرورش در صورت اختلاف و
تفاوت و اعمال و اهال ذات راجع به معتقد و عامل است اما سائر
تفرات دینی هم از قبیل تکلیف اجتماعی با اوجیات اخلاقی و ادبی
است بطور نظامات مدنی ، مثل حفظ وطن از تجاوز و تخطی
دشمنان صفات حرمت و شعائر اسبابه دین و تنفس اواسی و
جلو کیمی از منتهیات و مراتعات مساوات و عدالت و احترام حریت
و حرمت اشخاص ، که این هم راجع است بصوم جامعه ، و
جیج نوع بشر بدون امتیاز دین و مذهب و عقیده و عشیره و
قبیله ، در این سیم و شریک اند . ضعف اسلام بک نصیب عویض

و شیخ دین محمد مصطفیٰ خادم الله تاجفریه محمد علی کرمانی
(از روز نامه اخکر اصفهان)

(اجرای صراحت تعزیت داری روز عاشوراء)

چون همه از صراحت پادشاه اتحاد خواه براذران

انشعشه، مادر ایام عاشوراء مامحمر المقادمجالیس تعزیت داری

حضرت سیدالشہدا (ع) میباشد درین سال بیان جراحت صراحت

سابقه قیام نموده در محل جنبدول واقع کابل یک مجلس بزرگ

در تعزیت داری حضرت سیدنا الحسین مقدم گردید (ع. ج)

جناب فخری پاشا - سفیر دولت علیه زکیه - غالب اعیان

بزرگان و علماء و سادات کابل حاضر مجلس شدند - چون

تجھیزات ترق سمات اعلیٰ حضرت جوان جوان بخت غایی

هوواره متوجه به نقطه اتحاد عالم اسلام ورفع دورات موهوه

ازین براذران مسلمان است، حضور شاهزاده هم تشریف

آوری شان را در حسینیه مذکور اطلاع فرموده بودند.

مجلس تعزیت از ساعت (۸) صبح انعقاد یافت، بعضی از

روضه خوانان بیک آواز جگر سوز ویک مضامین غم اندوز

نهک باش جراحهای سینه های مستمعین شدند. از براذران شیعه

و سنی هم وطن ما فریاد واحسیناء بغلک رسید. قریب ساعت

(۱۱) ذات هابوی بمعیت اعیان و اشراف حضور شاهزاده وبعده

دیگر ذوات محترم در مجلس مذکور تشریف آورند

در هین وقت (ع. ج) جناب سفیر صاحب دولت علیه ایران

هم شرف حضور بهرسایند. اولاً چند نفر اطفال بیک

صوت شیعه حزن بعضی اشعار مصیت حضرت حسین (ع)

را خوانده‌ها هنک جک خراس دلهای مستمعین را محزون ساختند

بعد جناب سعادت ماب آقای میر آقا که یکی از علمای براذران

تشیع ماست بمنبر تشریف بردند. آیه کریمہ (لعن سما لو البرحقی

تنقیقاً مانجیون) را تا آخر قرائت و تفسیر فرمودند. و پاره از

نواب افق فی سیل الله. و پذل کردن جان و مال در راه خدا

و صرایع و ملا طفت در حق ایام مسلمین خصوصاً ایام شهداء

مسلمانان توضیح و بیانات نمودند و در ضمن آن فرمودند که حقيقة ایام

شہداء مسلمانان افغانستان را که در عماره استقلال

بسعدات شهادت قایز کردیده بودند، بن پدر نمیتوانم کفت

زیرا که ملاطفت و صراحت پادشاه ملت خواهند باره شان بدرجه

فوق العاده مبذول است. کاسابت به پدر دارهای آرامی و

آسایش روحانی و مادی شان پیشتر حاضر موجود است.

بعد از سید مذکور جناب فضیلت مآب مولوی سیف الرحمن

صاحب قاضی عسکری که یکی از خویل علمای اسلامی و شخص

داناییست با جازه اعلیٰ حضرت غازی تشریف بمنبر بردند و آیه کریمہ

(محمد رسول الله و ائمه ارشاده علی الکفار) را تلاوت کرده

در تفسیر محمد رسول الله بعضی از فضائل نبویه را شرح دادند

و در تفسیر (ائمه علی الکفار حافظهم) صفت مسلمانان حقیقی

را که میتوانند معیت و همراهی الحضرت را باطاعت فرمایشان

او ادعا کنند توضیح نمودند و نیز در آشوبق و ترغیب مسلمان

با تحداد و اتفاق درین خود شان بیانات مسلسلی ایراد فرمودند

و نسبت بشهادت حضرت حسین بلسان طریقه جلیله صوفیه زکیه

های خوبی بیان فرموده. بعد از اتفاق ای رفای اسلام و مسلمان

از منبر فرود آمدند. ذات هایونی در حالتیک گریه راه کلوی

مبارک شاورا کرفته بود. چونکه فرمایشات جناب مددوح بشدن

نایبرخشیده بود. هیچ کس از مستمعین خود داری آرد

نمیتوانند. اغوش محبت شوده جناب موصوف را در اهل

کشیدند و دست مبارک شان را بوسیدند ایشان در مقابل اظهار

لشکر و امتنان نمودند و همچنان شهریار مهران اعلیٰ حضرت غازی

با آقا میر آقا خان معانقه نموده محسن شان را بوسیدند بعد از این

جناب شیخ محمد رضا خان که ایشان نیزیکی از علمای فرقه جلیله

شیعه میباشدند. با جازه اعلیٰ حضرت تشریف بمنبر بردند. آیه کریمہ

(الیوم اکملت لکم دینکم و ایمت علیکم نعمتی و رضیت لکم

الاسلام دنیا) را تفسیر نمودند و شمه از حقیقت اسلام و اکمل

و جامیعت این دین میبن را با بعضی از اسرار شهادت حضرت

امام و تأثید فرمایشات مولوی صاحب مددوح را فصاحت و

طلقات فوق العاده بیان کرده اختتام کلام بدعای بقای جاه و

جلال اعلیٰ حضرت ورق اسلام و اسلامیان نمودند، اعلیٰ حضرت

را خوانده‌ها هنک جک خراس دلهای مستمعین را محزون ساختند

بعد جناب سعادت ماب آقای میر آقا که یکی از علمای براذران

تشیع ماست بمنبر تشریف بردند. آیه کریمہ (لعن سما لو البرحقی

تنقیقاً مانجیون) را تا آخر قرائت و تفسیر فرمودند. و پاره از

نواب افق فی سیل الله. و پذل کردن جان و مال در راه خدا

و صرایع و ملا طفت در حق ایام مسلمین خصوصاً ایام شهداء

مسلمانان توضیح و بیانات نمودند و در ضمن آن فرمودند که حقيقة ایام

شہداء مسلمانان افغانستان را که در عماره استقلال

بسعدات شهادت قایز کردیده بودند، بن پدر نمیتوانم کفت

زیرا که ملاطفت و صراحت پادشاه ملت خواهند باره شان بدرجه

فوق العاده مبذول است. کاسابت به پدر دارهای آرامی و

آسایش روحانی و مادی شان پیشتر حاضر موجود است.

از روز نامه زمیندار

درین روزها در باغ مجله و حلقوها سر کوششها
و نجواها میشود که بعد مصالحت بین ترکیه و برطانیه مسلمانان
هندران میباشد خلاف وعدات برطانیه ایلانه شدند و ترک مولات
(لانگون) را بکشانند. و به تامی برادران ترکیه خویش
هر راه برطانیه مصالحت کنند. وایسرای (نائب السلطنه) هند

نیز همین زکیه را به جواب و فرد مسلمان اخلاص یشی برطانیه
با تحداد و اتفاق درین خود شان بیانات مسلسلی ایراد فرمودند
تلقین فرموده بود که حالیه مسلمانان را لازم است که روایات
کنه وفاداری و جان نشاری خود را برطانیه سر از نو
در شکست یونان عیناً خود را شکسته یافت، چنانچه مستقلانه
خارج که سالها غارمه ملکه ایلانگی را نواخته بود در مقابل شجاعت
و پیاست مذهبی کمال پاشا سرتسلی خود نمود و برطانیه برای
چاره کار و حفظ اعتبار بدین راه فرورفت و خواست که یک
نوی دامن خود را از کشان و بیچیدگیهای خار دار مسائل
شرق ادنی خلاص نمند، لا این پاشا پریشانی و تردد بسیار
لارد کردن وزیر امور خارجیه برطانیه در اثبات عدالت و
مخالفت شدید برطانیه پاکیه در مجلس کوزان مجمودات سرفرو
شانه ابراز داد، و واضح ساخت که برطانیه هنوز به انتخاب
یافتدند، بکشیدن ترکها از اروپا و بزرگترین قوت اسلام و پشت
و بناء مسلمانان را نایاب ساختن، دقیقه فرو کشند نمودند.
در اثنای جنگ جهانیکی دولت برطانیه بادولت روسیه محربانه
در این معاہده قرار یافت که بعد ختم جنگ از
قسطنطینیه و اماشولیه حصة عمدۀ به روسیه داده میشود. مکر
زمینک در روسیه انقلاب شد و فکر انتقام کیت رس اقتدار آمد
آن معاہده خفیانه نسخه کردید. ازین بعد، با وجود دستار که
برطانیه بار کم با سلح راضی کردید. این معاہده فرموده شدند
و پس از این معاہده و درین معاہده قرار یافت که بعد ختم جنگ از
جناب شیخ صاحب نیز معاہده کردند و روی ایشان را بوسیدند.
آخرًا علیقدر جلالت آب و زیر صاحب مالیه از روی ورق

هایک بدت شان بود بخواندن روی منبر شروع نمودند.
ورقهای مذکور بعد حد شنا و درود و منقبت باران واف
را خوانده‌ها هنک جک خراس دلهای مستمعین را محزون ساختند
با جناب شیخ صاحب نیز معاہده کردند و روی ایشان را بوسیدند.
اخیراً علیقدر جلالت آب و زیر صاحب مالیه از روی ورق

چالان اعلیٰ حضرت ورق اسلام و اسلامیان نمودند، اعلیٰ حضرت
را خوانده‌ها هنک جک خراس دلهای مستمعین را محزون ساختند
بعد جناب سعادت ماب آقای میر آقا که یکی از علمای براذران

تشیع ماست بمنبر تشریف بردند. آیه کریمہ (لعن سما لو البرحقی
تنقیقاً مانجیون) را تا آخر قرائت و تفسیر فرمودند. و پاره از
نواب افق فی سیل الله. و پذل کردن جان و مال در راه خدا

و صرایع و ملا طفت در حق ایام مسلمین خصوصاً ایام شهداء

مسلمانان توضیح و بیانات نمودند و در ضمن آن فرمودند که حقيقة ایام

شہداء مسلمانان افغانستان را که در عماره استقلال

خوشکارانه و روابط دوسته بین افغانستان و ترکیه برای
جمهورت برطانیه سر اسرار نفع و مفید است و از همین عقیده

مشارکه با حکمت عملی مسلمان کش لایند جارج اظهار مخالفت
کرد، و صرف مناسعه نمود که برطانیه نسبت به ترکیه علاقه

و مدبرانه لوك غاید، لا این مانیکو زرمساعی خود را کام کردیده
محبوب استعفا نمود. جانشین او در این فرمیه هیچ اقدامی و

اظهاری نکرد، ازنجماً آشکار است که در افغانستان شخصیکه
یک نوعی خواهان بیوی دیز که ایلانگی را کهایدیکر مسلمانها باشد.. محبوب

القلوب مانده نمی تواند.

با این جریانات اخیراً از الطاف خداوندی ترکها ناچار تفتح

کردند، و بونانها با آنهمه امداد و اعانت بزرگترین قوهای

دین را کمیابی نمیده خاک و خاسر کشند، و برطانیه در

تازه و بجود بگایند. از طرف دیگر جعیهای اخلاصمند برطانیه

مسلمانها را میگیرند. میسانند و پروبا کند می کشند که محض نوازش

خارج که سالها غارمه ملکه ایلانگی را نواخته بود در مقابل شجاعت

و پیاست مذهبی کمال پاشا سرتسلی خود نمود و برطانیه برای

چاره کار و حفظ اعتبار بدین راه فرورفت و خواست که یک

نوی دامن خود را از کشان و بیچیدگیهای خار دار مسائل

ترکیه بار کم با سلح راضی کردید. این معاہده فرموده شدند

. از تمام این واقعات ظاهر شده میروزد که روسیه مصالحتان

دولت برطانیه بایهود برطانیه باز که ایلانگی را از تو از شهادت

یاعوطف السایتکارانه نموده بدلکه در میدان سیاست و مبارزه

عقل و تدبیر شکست خورد و صلح کرد. این همه خبرات، نمرات

محبتهای شب و روزانه و جانشانهای فدا کارانه جناب مصطفی کمال

</div

بی همکرا بود که اصروز ترک بر علوم دینان فوق آمد

نامه خود را تسلیم و قبول می کند. اسرار براعت کمال پاشا

در نکته های تأیید و حمایت عموم آسیاییها ازو، مضر است.

اگر شمشیر مصطفی کمال تیزی نمیداشت یاد ترکها

و دلیر، نمیبود یا آسیاییها هواخواهی از ترکها نمی داشتند،

مخالفی نخواهد ماند اما مسئله آزادی هزار، یک مسئله جدا

ست و هر قوم و ملت به زمان و هر حال حق دارد که برای

حریت خودها جد و جهد نمایند در این امر بدشمنی آزادن

و عداوت داشتن مانند افغانستان ضروری نیست مبرهن است که

برای آزادی خود کوشش کردن فریضه و وظیفه هر انسان است

و ناقصیک آزاد نشود این فرض ازده، او ساقط نمیکرد.

(از روز نامه ایز وستایی روسیه)

(اصحابه بار فرق چیچرن)

(هر کثر و اتفاق ژوت در نقاط واحده)

اظر بالا حظات اخیره ام در خارجه روزه مبنوام

کفت که بی از خصوصیات دوره حاضره آنست که ژوت

بین المللی رو به ترکو اخصار در دست شرکت های عده محدود

خود دست تسلط و مداخلت بردارد؛ لآن زمان حال اماکن

مقصد مسلمانان بصدای بلند میگوید که عواظف و ارادات

قبلیه افغانستان همچنان است که پیش بود. ترکیه و برطانیه

صلح کردن لا کن اسلام و برطانیه همچنان در کار راز و برس

پیکارند. مصطفی کمال باشا و رفقاء او از حیث سیاست با تدقیق

مصالحت نمودندلا کن خلیفة المسلمين از حیث رعایت علم اسلامیت

با بن مصالحت اظهار اطمینان خاطر نکرده اند

از روی رعایت او امردینه مسلمانان نسبت به افغانستان

وقتی مطمئن شده می توانند که جزیره العرب از اصراف اغیار

قطعه اخليه شود و حکومت برطانیه از اقدار عسکری و سیاسی

خود دست بکشدوسر کراسلام را بحال خودش بکذاردن کسانیک

مسلمان هارا مشوره میدهند که با افغانیها تجدید ارتباط

عایم مناسب با آنها اینست که عوض مودت دادن بنا زمامداران

برطانیه را مشوره بدهند تاجزیره العرب را بکذارند که برای

سیادت خلیفة المسلمين واعلای لوای خلافت برآمکن مقدسه

جهاز و هر اوقات پیش نشود. اگر برطانیه روبه موجوده

خود را نکذاردن مسلمانان طالم کاهی ازور خامنه نمیشوند و این

کفتنه لارد ربدنک وهم عقیده های او که حالیه مسلمانان

با افغانیها دلایل خود را صاف دارند بالرغم قائد ندارند مسلمان

همستیم بغض و عناد شیوه مانیست، برطانیه مخالفت مار ارتش نماید

ناماهم از خلافت بالاو دست بکشیم. قدرای جمیع العلماء برقرار

می توایم ۲ به علمای کرام تا این وقت حق و دلیل پیدا نشده

کا فتوای خودها را منسوخ کنند. ببل و قبیله افغانستان

سدراء خلافت نشود آنوقت از حیث نعماقات دی میان ماؤ او

شوری و که محتاج ارتباط با سازمان املاک می باشدند و باجرایهای مختلف صناعه فرانسه مرتبط می باشد وارد آورد. البته در مقابل دشمن مل فنام (بورژواری) انحصار مقدس معمول رانکه میدارد. ولی با وجود این ازحالا روز نامه صناعی (زوره ایشدوستی یل) اشکارا از سیاست (رور) عدم رضابت میکند این سیاست سبب فقر و فاقه المان میشود جزیی طرفانه غیردهم چه که مشارکه ایها دون خود المان نمیتواند آن را (رور) کامو خفه استفاده نماید، بالآخر سبب افتخار خود فرانسه و تنزل صناعت او خواهد شد.

اولاً جهت اقدام این (آوینتور) این بود که کروههای های هوی کن مرافقه جو قائم شوند. و نیز ملن است کان از خود، بعضی از اعضای دسته سر کرده محض اینک بی معنی بودن هواجس و خیالات این کروه را ایشان کشند اقدام این کار کردند. ولی با اینکی کفت که این زنیب آموزکاری عملی خیلی خطرناک میباشد. ولی ضمناً مسئله (رور) بایکی از تعطیل سرمایه متصال فرانسه والمان مربوط و متصل میباشد. مهمه التصاق صناعت فرانسه والمان مربوط و متصل میباشد این مسئله معلوم است که صناعت فرانسه دارای آهن میباشد و محتاج به ذغال سنک ایالت (رور) است و صناعت فرانسه ایشان نیز محتاج آهن فرانسه است ولی یکقدری کفر. خیلی مایل بودند که نقشه اشغال (رور) را که مدتها کشیده بودند ناشی ازین بدانند که فرانسه می خواست ذغال سنک لازمه را که از استخراج آن بدون خود المانها عاجز است بدست بیاورد و مشارکه ایها از برای ساختن اشیاء محتاج به المان میباشد. روی هم رفته ماین صنعت فرانسه والمان از چندین جهات مذاکرات درخصوص اتفاقهای ترکی سرمایه در ترسیمها و امثال ذلك شده است و همین تغایر سرمایه صناعی و تفویز آن روز بروز ترقی کند سبب شد که در آخر سال در فرانسه جریان طرفداران صنایع رسمی تجارتی بار و سیه قوت پیدا کرد.

صناعت عمده روی هم رفته طرفداران صلح می باشدند ولی خورده مالکین مخصوصاً قسمت ور شکست شده ایشان که عده: جریانهای (میلیتیار بزمی) و مرافقه جو قدمی میباشد.

(منابعه المان و فرانسه)

اساس حیات دیلویمای اروپایی مغربی منابعه مثلث اینکلپس فرانسه والمان میباشد، رقابت عالم کیرانکلپس و فرانسه هنوز خام است ولی با وجود این در تمام منابعه دیلویمای اصروزه از آن ظاهر است. مهم زین مسائل اصروزی ماین فرانسه والمان افتخار اقتصادی شان و حصول موافقت مابین سرمایه ملک دینی میباشد. این نمونه تغایل بطرف اخصار نزوت در ریشهای بین المللی خیلی شایان دقت میباشد. در مسئله غیر اتمه در آمد غیر اتم این تغایل بشکل موافقت در خصوص دادن امته در آمد و لی این تغایل خیلی دورتر را می بیند و خیلی مقاصد مهم زیر را در لظر دارد. فرانسه کنونی با فرانسه پیش از جنک خیلی غافوت دارد. سرمایه صناعت آن در او رقیق است روز بروز در سیاست مملکت نافذ نمیشود. این سرمایه محکم کشند که سیاست فاعله عملی صناعتی را معمول بدارد تبعه معاهده ورسای این شد که فرانسه زیاده از حد لازم دارای آهن میباشد و در این شد که فرانسه زیاده از حد لازم دارای آهن میباشد واقع میشود در محیط بحران و خرابی بعداز جنک و کاهی از اوقات ترقی او بحال معبوب و ناخوشی ظاهر میشود مالکین متوسط و خورده مالکین در شکست شده درس خواند های (بورژواری) و ایزی) روز بروز کرسته ترماید خود را بطرف مرافقه جو قدمی زیاد از حد می انداند، و محیط قابل الاحراق سیاسی را نویسند می کنند. در فرانسه این عناصر طرفداری میکنند آنچه را واقع میشود باقی ماند در آسان مشارکه به المان میباشد رفته از حزب ملیون باقی ماند در آسان مشارکه به المان دارند در (اور گش) میشوند و یا یانکه بطریق داری جناح راست رای میدهند. در ایطالیا ایشان یکی از قوای متجر که یعنی (فاسیزم) را خلق میکنند. های و هوی ایشان دانی زدیک جنک را انشان میدهند می توانند در حدود معنی سبب عملیات جنک اشود و لی تا جنک عمومی جدید هنوز خیلی مانده است فقط رقابت دسته های اقتصادی ممکن است سبب جنک جنکی بوده باشند ولی مشارکه به ایشان از جنک دشته شد که تواند سبب برخکس حرب رفاقت شان مانده شد. یاد که تواند سبب برخکس حرب عمومی جهیزی پشود.

آنچه ایشان از جنک دور میگردند که تقاضای طرف فرانسه بود و ضمناً در المان میکنند که تقاضای طرف فرانسه بیش از زیاد است. هر چند افق پاسنعت المان ممکن است که برای فرانسه از مذاکرات ماین عابدگان صناعت فرانسه والمان مالع شد کوایا از ترس ایشان میباشد این حزب میباشد. که پاسنعت شمال مرتبط میباشد.

(آوینتور رور)

آوینتور را اشغال (رور) کا سبب تغیل عده در حیات سیاسی و اقتصادی اروپا کردند و بهمین واسطه شرکهای کلی بمحابیر ممکن است که کارخانه های را بالکل بخواهند و در شکست سازه

دین و فهمیدن مبارزه که درین پرده باین دسته های منافع متفاوت کرده میشود از رای چشمی که آشنا باشد خیلی سخت است و باقی آشنایی زدیک باش کروه پیدا نموده تا شنیده این سرهای اشکا را شود . حقیقت این امان صناعت طرفین که در موافق دوستانه علاقه مند میباشد ممکن است که بعض اوقات بدشان بپاید که قوای خود را تجزیه نمایند که از این طبقه نظر قسم منافع در آینده این مسئله بدون خواهد بود این بجهة البته جزئیات است که اصل قضیه آینده این حوادث را برای ما تغییر نمیدهد ممکن است که خط موافق ماملت کارانه از طرفین یکدفعه غالب بپاید . یافتن راه نجات از محزان کنونی خیلی سخت است . چه که فراله در درس تقاضای خود سخت ابتداء است و حکومت المان هم می طلبید که پیشتر از شروع مذاکرات (رور) را باقی تخلیه شود اما احتمال کلی بیرون که آواتپتور (رور) مقابله ای این متنج پیشود پیش دوره در افق و صناعت محالاً در قاطعه، رنجیان المان احساس ملت و برآورده است و روی هم رفته فائده بردار ازین محزان شدید طرداران جناح راست میباشد . و ضمناً ازین آواتپتور تمام اوروبا بر سرورد .

(راجع به کنفرال اقتصادی در آذربایجان)
لعل کمال پاشا، مبارزه در جبهه اقتصادی، وظیله زنها
تبریک رفیق آرا لوف

مدت بیش از گذشته فشون احر در مبارزه دلبرانه خود استقلال روسیه و اختیار اورا بتأسیس جدت خود بعمل خویش تأسیس نمود . فشون احر اغلب کیرمارا محافظات نمود دین مبارزه سبب غلبه و ظفر نم . فقط شجاعت عساکر و قوه سر نیزه بود بلکه شعار عالی که عبارت بود از آفاق یعنی المللی زحمت کشان و نجات عالم انسان از هرگونه کندی و اجیار و قشون در راه حصول آن مبارزه می نمود بیش بسیار امیت کلی را دارا بود .

حال فشون احر مسوده کار خود را تمام نموده و نوبت شکل و انتظام قطعی کامل او رسیده و این فعالیت در راه انتظام فشون بمنظور می باشد این شور و شفف فوق العاده بودم که در افق جناب روسیکی، فشونی که از جلو او وارد میشد ظاهر بود .

امبیت فشون احر، تشیلات حکم او از صلح عمومی، ارزیادی دارد، در این جنک ۱۴ کی که در ان اتفاقات نمودند خسارت کل را محمل زدند . بخوان در این مطریت نیز مؤثر شد (بولن من نیز از خشید) .

جنون خود شاهد بدینجا های جنک خود را خوش نمادم که از جنک جدید فکر نمایم ولی از برای اینکه جنک نیایند بایستی حاضر بمحکم بود . باسواسه من از اصمیم قلب انتقام کام و پیشرفت قدون احر را خواهانم .

امضاه

(سفر فوجی الصادرة ایران (رسفوس ۱۵) و پیش هیئت دبلوماتی دو مسأو مشاور الملک)

▶ تبریک سفیر رئیس

من خواسته ام آن دوست کو فشون احر را عجتماً بینم و چه که در نهایتها و جنهای لظامی حاضر بودم ولی در وقت نمایشده رئیس بودن خود در (فلیس) چندین دفعه در نایشات فشون حاضر بودم و هر دفعه میدیدم که فشون احر رفته رفه ورق میگند . از نظریات خود من همان وقت به رؤسای فشون که در نهایش حاضر بودند ازان رئیس به جناب (کلکر) سپهalar قشون قفقاز و باید بجناب (پکوف) اظهار داشتم من خیلی خوشحال میشدم ازان رئیس که در فشون احر فرقه را متابده می خودم چه که ترک بواسطة دوستی بالاویمه شورا به بخل متصل و نزدیک است . در حال که در حیات سیاسی اروپای شرق مشرق زمین عموماً تغیرات و تبدلات رلای داده است بیش که فشون احر یک عامل بسیار مهمی در تزلزلات میباشد .

در اوخر ماه آغوست سنه ماضی بین از مغلوب ساقن بونان های فشون رئیس از اطراف فشون احر تبریک نامه وصول نمود ، این تبریک نامه خصوصاً سبب سرور کردید چه من و بیش کن نام ملـ رئیس احسان خودم که فشون احر که جامی قاطبه مال از اینجا لیزم می باشد طرفدار ماست . این تبریک نامه مدت سه سال اقامت سود در مسکو چندین فصه در نایشات فشون راجعن های نظامی حاضر بودم و هر دفعه من ناکال صرور مشاهده می خودم که فشون روسه رئیس نایان کرده است . رغم این این رئیس در آخرین دفعه در مده (بنابر) مشهود گردیده و انتظام روح فشون سرا متعجب و متوجه ساخت درین نایش من شامد بک شور و شفف فوق العاده بودم که در افق جناب روسیکی، فشونی که از جلو او وارد میشد ظاهر بود .

امبیت فشون احر، تشیلات حکم او از صلح عمومی، ارزیادی دارد، در این جنک ۱۴ کی که در ان اتفاقات نمودند خسارت کل را محمل زدند . بخوان در این مطریت نیز مؤثر شد (بولن من نیز از خشید) .

(امضاه)
(احمد خنواری)

(سباست انتظاری از کلیس واصیکا) بداخله از کلیس خصوصاً با امریکا فوری می باشد بیش مصالحه بشود ولی هردو، مقتوله و چکوونی رئیس خود را نکا، بیکنند باقی خاطرنشان نمود که تقارب سیاسی، اقتصادی

زی داده و تعلیمات نظامی خود را بخند اکمال برآوردند سوای آن بنظر من این مسله را نیز ساییق از نظر خود نمود که فشون احر از حيث لوزم (تحنیک) خود بذخ خیلی منتخب کردید لطف مخصوصی راجع بوظیله ذهنها اراد کردید مشار الیه نیز ترجیح داد در مخصوص لزوم قناعت و قطع کردن آمدن مالهای خارجی و احتجاج را در همـالک ترکیه استثنای مالهای که رای ایجاد صناعت قبله و ادارات راههای آمن لازم است .

(مساچه با آـ آـ ای) و رخوسک که وزیر خارجیه
(در ایام حکومت کرلسنکی بوده است)

مدت بیش از گذشته فشون احر در مبارزه دلبرانه خود استقلال روسیه و اختیار اورا بتأسیس جدت خود بعمل خویش تأسیس نمود . فشون احر اغلب کیرمارا محافظات نمود دین مبارزه سبب غلبه و ظفر نم . فقط شجاعت عساکر و قوه سر نیزه بود بلکه شعار عالی که عبارت بود از آفاق یعنی المللی زحمت کشان و نجات عالم انسان از هرگونه کندی و اجیار و قشون در راه حصول آن مبارزه می نمود بیش بسیار امیت کلی را دارا بود .

حال فشون احر مسوده کار خود را تمام نموده و نوبت شکل و انتظام قطعی کامل او رسیده و این فعالیت در راه انتظام فشون بمنظور می باشد این شور و شفف فوق العاده بودم که در افق جناب روسیکی، فشونی که از جلو او وارد میشد ظاهر بود .

در جنک های کنونی که بالسلحه های مکمل کرده میشود هر فشونی بین از سال جنک پدل بر میلادی بیشود ، این

و ناش بزیده میشود ، مخصوصاً در جایهای که از مبارزه بالمری بالزم غرب محبت رانده میشود کیسار اقتصادی عمود لطف آتشی آدام نمود که در آن از اهمیت روزگار دهائیں دکار یکران و نجات نیزی داده و لزوم تشکیل دو از طبقه ای اتحاد کشیده (سند بیکات عای تجارتی) را اثبات نموده قاطبه اهالی را بغالیت و استکار دعوت می نمود ، بایک تبریک و تهیت مخصوص رجوع به زنهای حاضر مخصوصاً زنهای و کیله نمود . از جمه اقدامات عملی مشار الیه در مخصوص توسعه و ترقی معارف ملی و کشفیدن راههای آهن و ساختن شوشهای و تشكیل شرکت های اقتصادی صحبت راند .

از طرف (کاظم قره بکر) که بسته ریاست کنفرال اس منتخب کردید لطف مخصوصی راجع بوظیله ذهنها اراد کردید مشار الیه نیز ترجیح داد در مخصوص لزوم قناعت و قطع کردن آمدن مالهای خارجی و احتجاج را در همـالک ترکیه استثنای مالهای که رای ایجاد صناعت قبله و ادارات راههای آمن لازم است .

(راجعت به کنفرال اقتصادی در آذربایجان)
لعل کمال پاشا، مبارزه در جبهه اقتصادی، وظیله زنها
تبریک رفیق آرا لوف

اطلاعات افره مشعرند آن جندی بیشتر ازین کنفرال اقتصادی در (ازمیر) بواسطه لطف مصطفی کمال پاشا افتتاح گردید . کمال پاشا شرمنی در مخصوص سیاست خطا کارانه سلاطین هنانی داده که بواسطه جنکها و زندگانی عیش و عشرتی خود ملک را برآورد و او را اسریدست اینچی نمودند و شانع ویژه فهای جنک آخیرا در راه حصول استقلال خاطر لشان کرده بدم اظهار داشت :-

حال ما مبارزه را بادس دهائیم شروع میکنیم . این مبارزه از مبارزه بالساحل صالح رخواه بود داس قلمی است که تاریخ ترکیه با آن نوشته میشود حال در مقابل ماجهیه اقتصادی است هر کاه ما وضعیت اقتصادی خود را محکم نمکنیم عدم ظفرهای ما از همان خواهند رفت ، در مرسته های جبال و زندگانی کردن و بهشت را منتظر بودن انتباه است ملک کمالک رازعین مبارز صنعتکاران و عمله جات می باشد .
لعل کمال پاشا پوسته بواسطه تصنیق و کلا و اطمیار محین

- (۲) ملا عابد دین خان قاضی محکمه بہسودا به (A) اسد قاضی محکمه ناشترغان فخر کردید .
- (۳) ملا عبدالله خان تعلیم یافته مکتب قضات به (A) اسد قاضی محکمه بہسود مقرر کردید .
- (۴) ملا عبد القیوم خان تعلیم یافته مکتب قضات به (A) اسد قاضی محکمه ابتدایه صرکت داینکی فخر شد .
- (۵) ملا نور الحق خان تعلیم یافته مکتب قضات به (A) اسد قاضی محکمه ابتدایه صرکتی ارز کان فخر کردید .
- (۶) ملا عبد الفغور خان ناقص سابق محکمه حرم به (A) اسد قاضی محکمه ناقان مقرر شد — ملا عبد الطوف خار قاضی ناقان تحت حاکم کرفته شده عوض او ملا عبد الفغور خان مقرر شد .
- (۷) ملا عبد المکرم خان عقیقی محکمه صرافیه سمت جنوبی (A) اسد قاضی محکمه از کون فخر کردید .
- (۸) اولاد محمد سلا خان عقیقی محکمه فراه به (A) اسد عقیقی محکمه صرافیه سمت جنوبی مقرر کردید .
- (۹) ملا محمد صدقی خان عقیقی محکمه ابتدایه چکنی به (A) اسد عقیقی محکمه صرافیه فراه مقرر شد .
- (۱۰) ملا عبد الله خان به (A) اسد رفیس محکمه اصلاحیه غنیم مقرر کردید .
- (۱۱) ملا احمد علیخان به (A) اسد اعضاء محکمه اصلاحیه چکنی مقرر شد .
- (۱۲) کلا خان به (A) اسد اعضاء محکمه صلاحیه سمت جنوبی مقرر کردید .

وائمات جنوب

شب پاکشہ (۱۳) اسد

شب کذشته در حنفه نیلیل یک مجلس پاکشہ خطاب خوانی ولشیده سرانی از طرف طبله مکتب حبیبی و مق مکاب فرعی آن انعقاد یافته، علم اصحاب ذوق و ارباب شوق رای ایاع لطف نو هلال معارف حضور ہم رسانیده به ساعت (A) جریانات مجلس مقررات آب و افی هدایه (وعد الله الدین آمنوا منکم و عملوا الصاحیت لیستاخفیم فی الارض) پاکشیر آن از طرف پاکشیده محمد خان شاکر صنف رشیده مدرسه حبیبی افتتاح شد پاکشیده شاکر دان زانه مل افغان (امیر امان اللہ خان) چه بعد پاکشیده غازی دی می موال ... الخ ایاع قام موسی هندی باکش گلن ملکش کمزوزیک هم ، آهنگ آن نواخته می شد سراییده

بلخ اشرار ناپاکی او را بقتل رسانیده . در اینوقت ریش پنید و ضمیف بودند . هر خود را بتجرد کنرا پایده خلفی از بیان نماند . لسوار دهن بسیار می کشیدند و بشطرنج میله داشتند و خوب بازی می کردند . در علوم ریاضیه خوب بدلند .

تشریف بردن اعلیحضرت به صمت شمال (A) هنوز کذشته حضور شاهانه به صمت شمال تشریف بردند از فراریکه مسحی شده ایم بطرف پنجشیر نا (زمان کور) تشریف بردند . و ایجا ھو خوانین و مامورین حضور شاهانه باصره شدند از طرف اعلیحضرت معلوم اطمینان شافت و احوال ریش و لصانع وار شادات زیاد راجح باصلاح وطن و معماش و عاد فرمودند . مخصوص اصنفی صردم کمپرها نیز پاکشیدند حضور شاهانه در ضمن این حرکت کامضی فرج بود یک نوع وظیفه تقبیش مامورین بعض اصلاحات و تأسیسات نافعه را ایل خفر نیام نهر از دریای غور بشد و ترقی زراعت و صناعت را نیز افا و پیشنهاد نمودند شب چمه (A) سنبه مع الجبر و عدم تکلف و نقصن در لباس و خواراک و زندگانی اسرار حیات می نمودند لباس شان اکثر چرکین و یخن شان کنده و دستار پریشان می بود . هر کتن بی سابقه او را میدید یکی از طبقه ادبیات عوام چنان میکرد . و این خیل طریف الطبع بودند و بعض ظرافت او بسیار مشهور است . یکی از ظرافت او این است سالی در عهد اعلیحضرت شهید قتل و سرق شد و کسب هویت نمود اموال بعض اشخاص را در نواحی جهار دهی دزد ها بظاهر بودند ، اشخاص مذکور به داد خواهی نزد سردار لصراحت خان آن سده سور نمودند که در چهارده مال شان سرق شده ملا صاحب در مجلس نشته بود پرسید این صردم چه سور دارند؟ کسی گفت ملشان را دزدیده اند گفت در کجا ا کفتند در جهار دهی . کف . یا چه اینها به علاقه غیر رفته مال شان را دزدیده بود . است حال اینجا بجا استفانه و سوردارند . کفتند ملا صاحب و قیکه جهار دهی علاقه غیراست علاقه خود مل کدام است فرمود علامہ مأکوتی زین العمارت و اطراف آن است (کوتی زین العمارت کوئی لشمن می دار لصراحت خان بود) ماین نیکه سردار لصراحت خان را متبه ساخت واو هم داشت .

(راجح به معارف)

متشین معاو ف در مکاب ابتداییه کابل و مشارکات آن از چندی شقول تقبیش می باشند ، از قراریکه شنیده شده احوال مکاب سرت یعنی پاکشیده مکتب حبیبی و دارالعلمین بکله رخصت ، نعلل شده . و زارت در چهار سالی کامیابی کرد مصروف است .

(قتل)

شیدم که دیروز (A) سنبه بوقت عصر ، عبد الملک خان جزل فوسل ساق افلا استان در کاشکند ، از طرف جند فخر بضرب کاویه کشته شد ، قرار اطمینان خود موصوف که عنوز رده بود ، قاتلین ، عبد الغفران خان جامگامی کمرد و ملا زمین او بودند .

(قطع و تزییع بعض مامورین)

شاراطلاغ رسمی کاز وزارت خبله عدله باضای و یکل موافق وزارت موئیه (ع ، ج) آقای محمد سرور خان بادره ایاده ایاده است اشخاص ذیل تزییع رتبه و به مناسب دولتی فخر باید :

(۱۱) ملا محمد اسحق خان عقیقی محکمه ناشترغان به (A) اسد قاضی محکمه ابتداییه صرکتی آهنگ آن نواخته می شد سراییده

جون که بعض ملا زمین رسالت شاهی فند هاری بوج قرابت بجای او رفت و آمد داشتند و یکنفر از هم آفان ملا صاحب اوضاع آنها را درست نمیدید تخت اشتباه آمده همان هم آفان ملا صاحب عده از پلیس هارا به افشار بخانه های همان شاهیها می برد و چند فخر شازرا همان روز و چند فخر را روز دیگر دستکشی می کند و از خانه شان که تقبیش می شود اموال ملا صاحب و دیگر اموال مسروقه بسیار می باید — اشرار عجیس و تخت استنطاق می باشند مسحی شدم کمک دو فخر شان اعتراف هم نموده اند .

صلانگیز سرور خان در عصر اعلیحضرت امیر سر جم (ضباط الملة والدين) در جمله علماء گنجینه بودند و امتحان

(جریب کشان) مخصوص باشان بود . در وقت اعلیحضرت شهید رفیس (بیابانیها) بود کاری پایش تصریفات دولتی وغیره

تعلیق مایشان داشت . و در همین اوقات مصاحب سردار لصراحت

خان می بود . مامشار الیه لندن هم رفته بودند

جناب ملا صاحب پلشوضع غیر عالمانه داشته در کل آزادی

و عدم تکلف و نقصن در لباس و خواراک و زندگانی اسرار حیات

می نمودند لباس شان اکثر چرکین و یخن شان کنده و دستار

بریشان می بود . هر کتن بی سابقه او را میدید یکی از طبقه

ادبیات عوام چنان میکرد . و این خیل طریف الطبع بودند و بعض

ظرافت او بسیار مشهور است . یکی از ظرافت او این است

سالی در عهد اعلیحضرت شهید قتل و سرق شد و کسب

هویت نمود اموال بعض اشخاص را در نواحی جهار دهی

دزد ها بظاهر بودند ، اشخاص مذکور به داد خواهی

نزد سردار لصراحت خان آن سده سور نمودند که در چهارده

مال شان سرق شده ملا صاحب در مجلس نشته بود پرسید

این صردم چه سور دارند؟ کسی گفت ملشان را دزدیده اند

کفت در کجا ا کفتند در جهار دهی . کف . یا چه اینها

به علاقه غیر رفته مال شان را دزدیده بود . است حال اینجا بجا

استفانه و سوردارند . کفتند ملا صاحب و قیکه جهار دهی علاقه

غیراست علاقه خود مل کدام است فرمود علامہ مأکوتی زین

العمارت و اطراف آن است (کوتی زین العمارت کوئی

لشمن می دار لصراحت خان بود) ماین نیکه سردار لصراحت خان را متبه ساخت واو هم داشت .

ملا صاحب در آخر ترک ملا می نموده زیارات - ج رفته

ایران پاکشیده بیک از هم زین واقعیت سیاست کنون میباشد کوچه از تجاهی انگلیس جبل پیش از حکومت ساخته بسته کات خود امیت میدهد و مرطاب در اینها بی تقدیر . مکر پیشتری از باشگاه ای او مارووا ارتباط کی دارد و قسمت پیشتری ازدواز اقتصادی اینان مشکی انگلیس هستند . در فرالله خیلی هاعقیده شان روان است که انگلیس بواطه جبهه وند و چندی فرانسه را بمحبوب ساخت که (رور) جهه نماید و بعد در طرف نشسته و چهل تا اول خوده کتفنده سوی را بازی می کنند همان فراسویها مجبوب نمی تزدید هر که معلوم میشد که از طرف دوکر المازا فیز انگلیس بقاوت بخوبی مینموده .

(سیاست طلم بدون رویه غیر چکن است)

جراند رویه مین کارند که وضعیت ایلو ماتی شورزیه در این محبط بسیار درم و برم ، نیز بسیار مشکل می باشد او لا مایستی بکوشیم که سرحدات و سواحل خود را محفوظ بداریم و سوای آن برعلیه آنچه که رای صلح هموی خطر داره بکل ملل مظلومه که تحت تهدید واقع میتواند نیز قیام خایم —

مالایستی دقیقه از هم زین مقصد خود را فراموش خایم و آن این است که محاصره اقتصادی و سیاسی حکومت شورزیه را که هنوز باقی است بطرف کنیم که مشار الیه آزادانه بتواند تمام طام سوابطه داشته باشد .

مالایستی همیشه هوشیار بوده و در بازی هر روزه رکابت خایی عالم از هیچ کوه جزئیات جسم بونی خایم . چه که بعد ازین سیاست طلم بدون رویه چکن نخواهد بود و نیست مثمه بین المللی که دران رویه و متفقین آن دران بتوانند بیطرف بوره باشند —

تحویل از اخلاقیات

(آنچه داد الی راجعون)

فضائل مآب سایی ملا محمد سرور خان قند هاری کبیک از علمای مشهور و قدیم بودند و بوجه علاقه مشدی هاجناب قبض صاحب بجای ایشان در حرم باع سکونت داشتند . شب سه شنبه ۲۹ اسد دسته از اشرار و سارقین بجای او وارد شده خود ملا صاحب را قتل و اموال منقوله اور اتمانا بوده اند

بک لحظه نگردم رغبت فارغ و غافل
ای دلبور من غوب
ما آنکه نسبت مهبا کفن من
ای جان و طن من
از پسک بدل سهر جانش شده جاگیر
آ خر ر دهن دست
آن دلبر خورشید رخ کل بدن من
ای جان و طن من
هر دم که کنم ماله و داد شب و روز
از دست غم تو
پیدار شود قوم و خواب از سخن من
ای جان و طن من
کردیده و طن از هم و سعی شه ما
آ زاد و نمر ور
این جشن بهار است و باع و طن من
ای جان و طن من

حضور از استعمال نطقها و لشیده‌ها خیل محافظت کشته اظهار
قدیر و محین نمودند.

جریمات ۱۳ اسد

از ساعت (۹) تا ساعت (۱۱) در میدان اسب دوای
مسابقه غنک و خنداجه زدن جریان داشت. هدف بشکل فی
تصورت داره و منقمه ۶۴ حلقه بود هر شخص سه کارتوس
می‌زد؛ بهر حلقه که کلوهه‌های ثلث او یا بعضی ازان اصابت
می‌کرد. نمره‌های هلن حلقه هارا حائز بیکشت. در اخیر جون
نمره‌ها مقابله شد در این خاص ملکی:

آقای احمدشاه خان معاون و برادر باور صاحب (۱)
آقای محمدناصرخان بیسر حناب محمد نعیم خان نائب سالار (۲)
آقای عبدالله خان کاتب حضور (۳)
و دو منصبداران نظامی:

(ش) سید صالح خان کندک مشیر (۱)
(ح) محمد غوث خان غند مشیر (۲)
(ش) محمد امین خان کندک مشیر (۳)
در افراد عسکری:

فیض محمد خان رله شهی (۱)
دونفر دیگر (۲) و (۳)

برآمده اعلامات مقرب، اکتفه و این خاص اول از هر طبقه
بک لشان شخصی (۱) نامن شدند.

در مطبوعه حروفی مائین خا، هیمار که طبع نموده

بعد از این نطقها و راههای بترتیب اقی بیاز و خوانده شد
نطق در تعریف استقلال، طرف حکم اور خان شاکرده مکتب
حکم راهه افغانی (پشنو، پشنون، پشنون یمده؛ پشنو و سک
خطه دی زما... لخ) بطرز بو-قی بوری، از طرف بک
دسته هاموریکا، نطق ران افغانی، بر جتن استقلال، لز
طرف محمد نادر خان شاکرده مکتب حکم - اشیده افغانی
(شاریا پسری، انجی شین کلزار سو) از طرف محمد دلاور
خان شاکرده مکتب قضات - نطق بر حملت و زبدیم (قیمت
به آربن فلزات است ۵ دینار همر آشف شده) از طرف
عبدالله اح خان شاکرده ملتب حکم - مقامه ازیان عصیی بر
صاحب استقلال از طرف حبیط الله خان، شاکرده مکتب قضات
نطق اشکریزی بازوجه آن از طرف نور احمد خان شاکرده
خورد سال اینداقی - بعد ازین سه نفر طالب صفت و شدیده
چندیت عسکری را بلجهه ایرانی خواندند و اخیراً همان آنهنک
در موزیکه واخخه شد - نطق در اهمیت خود مختاری و آزادی
از طرف عبدالباقی خان شاکرده صفت رشدیه - تراهه فارسی
(طن) که دلچ ذبل است از طرف بک جاعه شاکردان
با نوای موزیکه.

▶ تراهه و طن ◀

ای روح روان خطه افغان وطن من
ای جان وطن من
پژوهده بود بی کل رویت سمن من
ای جان وطن من
پیغمبر ماحب و طن گفته ز ایمان
زان رو بره تو
خواهم کشود زود فدا جان و نن من
ای جان وطن من
باید بی آها دی نواز دل و از جان

ڪو شن بخانیم

ناعشرت و عیش نو به بیند بدن بعن
ای جان وطن من
جسون تمه نهاینده تحمل دل و جانی
بی باد صبات
هر کثر شود سیز کلی در جن من
ای جان وطن من
ازبس که تراصی نتکرم زار و جکر خون
هر شام و سحر کاه
شده جان رست غم آخر بعن من
ای جان وطن من